

## تأثیر رویکرد برون‌نگر بر اقتصاد سیاسی دوره پهلوم دوم (بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)

محمد مهدی اسماعیلی\*

### چکیده

تاریخ معاصر ایران شاهد نزاع دو رویکرد در خصوص نحوه اداره اقتصاد کشور بوده است. یک نگاه، راه برون‌رفت از مشکلات را در اتکای به قدرتهای خارجی و استفاده از امکانات دول قدرتمند برای ارتقای اداره کشور می‌داند و جریان دیگر، ضمن لزوم بهره‌گیری معقول از تجارب بیگانگان، اتکای اصلی را به استفاده بهینه از توانمندی‌های داخلی و زمینه‌سازی برای رشد آنها قرار می‌دهد. فضای عمومی سیاست‌گذاری از ابتدای پیدایی دغدغه پیشرفت در کشور ما، عمدتاً در اختیار دسته اول قرار داشته است. این مقاله، با بررسی نتایج حاکمیت تفکر برون‌نگر در اقتصاد سیاسی دوره پهلوی دوم، نشان می‌دهد که این نگاه چگونه منجر به عقب‌ماندگی و وابستگی بیشتر کشور شده است. براساس چنین رویکردی، تجربه اقتصادی اجرای «اصل چهار ترومن» که از انتهای دهه ۲۰ تا انتهای دهه ۳۰ شمسی اجرا شد، ضمن از بین بردن توان اقتصاد کشاورزی، عوارض سنگینی چون مهاجرت گسترده، حاشیه‌نشینی و وابستگی سیاسی رژیم پهلوی، و در نهایت، سقوط آنرا به دنبال داشت. هدف این مقاله، توجه به این تجارب و پرهیز از ساده‌انگاری در ارتباط با بیگانگان و توجه به نگاه درون‌زا در پیشرفت اقتصادی کشور است. روش این پژوهش نیز توصیفی-تاریخی است.

**کلیدواژه‌ها:** نگاه برون‌نگر، نگاه درون‌زا، اقتصاد سیاسی، مکتب نوسازی، اصل چهار ترومن.

---

\*استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران. m.m.esmaeli@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر با شدت گرفتن مشکلات اقتصادی، چگونگی مدیریت مسائل در اولویت اصلی اداره سیاسی جامعه قرار گرفته است. این امر تا آنجا پیش رفته است که امروزه پاسخ به چگونگی حل مسائل اقتصادی به مهم‌ترین شاخص عمومی جامعه در انتخاب‌های سیاسی تبدیل شده است. اگر در سال ۱۳۸۴ شعار عدالت اقتصادی سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری در دور دوم را به نفع یک فرد تقریباً گمنام در سطح بالای سیاست‌ورزی ایران در مقابل یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین رجل سیاسی کشور رقم زد، در سال ۱۳۹۲ هم فردی با اقبال اولیه بسیار اندک، با گره زدن حل معضلات اقتصادی به مهم‌ترین پرونده سیاسی جمهوری اسلامی، به پاستور رفت. این موضوع، به‌روشنی، اهمیت و کارکرد اقتصاد در فضای تصمیم‌گیری‌های عمومی جامعه ایرانی را نشان می‌دهد.

در همه رفت‌وآمدهای سیاسی در دو سده اخیر، نوع نگاه حکام به مسئله اقتصاد و حل مشکلات آن تابع یکی از دو رویکرد «درونی» و «بیرونی» به مسئله پیشرفت بوده است. شاید دلیل عمده در شکل‌گیری نگاه به خارج در اداره اقتصادی جامعه ایرانی انحطاط سیاسی و ضعف عمده فن‌آوری و منابع انسانی در دو سده اخیر بوده است. از قرن هجدهم که انقلاب صنعتی پیشرفت‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های فنی آغاز کرد، ایران چندی بود که بواسطه درگیری‌های داخلی در سرایشی سقوط قرار گرفته بود.

با سقوط دولت صفوی در سال ۱۱۳۵ق / ۱۷۲۲م، دوره‌ای پرتنش در تاریخ ایران آغاز شد که حاصل آن بعد از حدود هفتاد سال، تأسیس حکومت ایل قاجاری در سال ۱۲۱۲ق / ۱۷۸۹م ایران بود. دوره سقوط سیاسی و اقتصادی با سلطنت فتحعلی قاجار و شکست ایران از روسیه و تحمیل قراردادهای گلستان در ۱۸۱۳م، و ترکمنچای ۱۸۲۸م، شتاب بیشتری گرفت. دغدغه فهم عقب‌ماندگی کشور توسط ولیعهد قجری، عباس میرزا، و تلاش برای جبران آن، اعزام محصلان فرنگی به غرب را به دنبال داشت. البته ادامه پر شتاب این سیاست در دوره‌های بعدی و ورود اندیشه تجدد به ایران، نه تنها مشکلی از عقب‌ماندگی ایران را حل نکرد، بلکه بسیاری از مزیت‌های داخلی را یا نادیده و یا از بین برد و در نتیجه، روح خودباوری ایرانی نیز به تاراج رفت.

با توجه به رویکرد نوینی که در تغییر فضای نظری و عملی مدیریت کشور با ابلاغ سیاست‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی صورت

پذیرفته است؛ در این مقاله، به برخی از خروجی‌ها و اقتضانات نگاه برون‌نگر، در مقابل رویکرد تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، در تحولات اقتصادی معاصر پرداخته می‌شود، و به عنوان مطالعه موردی، تأثیر برنامه اقتصادی اصل چهار ترومن بر اقتصاد سیاسی کشور در دوره پهلوی دوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲. اقتصاد سیاسی

مفهوم «اقتصاد سیاسی» به معنای موثر بودن پدیده‌های سیاسی و اقتصادی بر روی هم می‌باشد. اقتصاد سیاسی به مطالعه کنترل و بقا در زندگی اجتماعی می‌پردازد. مفهوم کنترل اشاره دارد به سازمان‌دهی داخلی اعضای گروه‌های اجتماعی و فرآیند انطباق آن‌ها با تغییرات. مفهوم بقا نیز به این امر اشاره دارد که افراد چگونه آن چیزی را تولید می‌کنند که برای بازتولید و تداوم اجتماعی مورد نیاز است. با این نگاه، فرآیندهای کنترل، سازوکارهای سیاسی را در بر می‌گیرد (وینسنت و دیوید، ۱۳۸۶: ۷۴). بنابراین اقتصاد سیاسی سعی می‌کند توضیح دهد که چگونه قدرت سیاسی بر پیامدهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد و چگونه نیروهای اقتصادی بر رفتار سیاسی مؤثر واقع می‌شود. گرچه نظریات متفاوتی درباره چگونگی رابطه میان اقتصاد و سیاست و میزان استحکام آن ابراز شده، کندوکاو در مورد رابطه درونی آن‌ها موضوع اقتصاد سیاسی است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱). در این مقاله مقصود ما از مفهوم اقتصاد سیاسی، «بررسی تأثیرات رویکردهای موجود در اداره سیاسی و اجتماعی بر تحولات اقتصادی جامعه ایرانی» است.

در ایران دوره پهلوی دوم و پس از پایان جنگ جهانی دوم، به تدریج سیاست خارجی ایران از سیاست موازنه و یا رویکرد استفاده از قدرت سوم، عملاً در اردوگاه غرب به رهبری آمریکا قرار گرفت. توجه به دولت آمریکا در موضوع خروج نیروهای نظامی شوروی از آذربایجان و اقدام داوطلبانه ایران برای اجرای اصل چهار ترومن در ایران، آغاز روندی بود که با دخالت آمریکا در حذف دولت مصدق و متعاقب آن حضور ایران در پیمان بغداد، به تحقق وابستگی کامل ایران به آمریکا انجامید.

## ۳. انفعال سیاسی و دیپلماتیک؛ قراردادهای اقتصادی استعماری

انبوه قراردادهای استعماری در دوره قاجار و پهلوی محصول خودباختگی و نگاه به خارج و توانمندی‌های بیگانه و شکل‌گیری روحیه انفعال و خودباختگی بود. امروز که

با نگاه سیاسی و روابط بین‌المللی به تحلیل این پیمان‌ها و قرار دادهای اقتصادی می‌پردازیم، استراتژی «موازنه مثبت» (The positive balance) عمدتاً ترجمان رویکرد اقتصاد خارجی ایران تا پایان جنگ جهانی دوم بود. ایران، پهنه رقابت و فزون‌خواهی-های دو دولت روسیه و انگلیس بود. جالب این‌که مقاطعی هم‌که نظام حاکم دنبال «موازنه منفی» (Negative balance) با این دو قدرت بود، نگاه به «قدرت سوم» (Third power) اتفاق می‌افتاد. اقبال امیرکبیر به امریکا، رضا شاه به آلمان‌ها در سال‌های پایانی سلطنتش، و محمد مصدق به امریکا در همین چارچوب قابل تحلیل می‌باشد. نگاه به برخی از قراردادهای و نقش برخی روشنفکران در انعقاد آن می‌تواند عمق تأثیربرانگیز حاکمیت نگاه برون‌نگر در اداره کشور را نشان دهد.

**قرارداد رویتر:** قراردادی بود که میان بارون یولیوس دو رویتر یهودی انگلیسی با نام حقیقی «اسرائیل بریوسافات» و دولت قاجار در زمان سلطنت ناصری منعقد شد. به موجب این امتیاز، ساختن هرگونه راه، راه آهن و سد از دریای خزر تا خلیج فارس و بهره‌برداری از همه معادن ایران، بجز طلا و نقره، ایجاد مجاری آبی و قنات و کانال‌ها برای کشتیرانی یا کشاورزی؛ ایجاد بانک و هرگونه کمپانی صنعتی در سراسر ایران؛ حق انحصار کارهای عام‌المنفعه؛ استفاده و بهره‌برداری از جنگل‌ها به مدت هفتاد سال و استفاده از گمرکات ایران به مدت بیست و پنج سال در ازای پرداخت دویست هزار لیره و سود ۵ درصد در اختیار رویتر قرار گرفت. بعدها در برخی اسناد به دخالت و کارچاق کنی برخی از رجال سیاسی و روشنفکران ایرانی اشاره شد. میرزا حسین خان سپهسالار ۵۰ هزار لیره، میرزا ملکم خان ۲۰ هزار لیره، معین‌الملک ۲۰ هزار لیره و مبالغی نیز اقبال‌الملک به عنوان رشوه برای عقد این قرارداد از انگلیسی‌ها دریافت کرده‌اند (فشار، ۱۳۹۰: ۸۶).

روحانیون بعد از شنیدن خبر عقد این قرارداد برآشفتمند و شب‌نامه‌هایی در تهران پخش شد که نوشته بود شاه اختیار کشور را به یک یهودی داده است. دولت روسیه نیز از شنیدن خبر عقد این قرارداد برآشفتمند و سعی در ابطال آن نمود. این قرارداد به قدری استعماری بود که اعتراض همه دنیا، حتی انگلیسی‌ها مانند لرد کرزن را نیز برانگیخت. وی معتقد بود این امتیاز، بخشیدن یک پارچه تمامی منابع صنعتی یک کشور است که همانند آن تا به امروز در هیچ مستعمره‌ای داده نشده است. این امتیاز که آن را بزرگ-ترین خیانت میرزا حسین خان سپهسالار نخست وزیر ناصرالدین شاه می‌دانند، همه زندگی اقتصادی و سیاسی ایرانیان را برای مدت هفتاد سال در اختیار رویتر قرار داد؛ اما

پیش از اجرا به دلیل اعتراضات روسیه و اعتراضات داخلی به رهبری میرزا صالح داماد و ملاعلی کنی توسط ناصرالدین شاه باطل شد؛ همچنین دولت انگلستان حاضر به طرفداری از جاه طلبی بیش از حد رویتر نگردید.

**بانک شاهنشاهی:** رویتر از بابت فسخ قرارداد به مدت هفده سال پیگیر خسارات خود بود و سرانجام با کمک سر ولف سفیر یهودی انگلستان موفق به عقد امتیازنامه رویتر دوم شد که باعث تاسیس بانک شاهنشاهی ایران در ۱۳۰۶ ق / ۱۸۷۲ م، گردید (قربانیان، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۳۷).

**قرارداد تنباکو:** در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا (۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م) با وساطت سرهنری درامند ولف، وزیر مختار انگلستان در ایران، مذاکراتی میان شاه و امین السلطان با ماژور جرالد تالبوت درباره امتیاز تجارت توتون و تنباکو صورت گرفت (ناطق، ۱۳۷۳: ۸۶). ظاهراً تالبوت درباره منافع تجارت توتون و تنباکو در ایران اطلاعاتی از اعتمادالسلطنه کسب کرده بود، گفت که در این دوره افزایش تولید و صادرات توتون و تنباکو در ایران توجه خارجیان را به خود جلب کرده بود (همان: ۸۹). پس از بازگشت شاه، تالبوت تهران آمد و با پرداخت ۲۵ هزار لیره به ناصرالدین شاه در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ق/۲۰ مارس ۱۸۹۰م قراردادی در ۱۵ فصل به امضای او رساند (تیموری، ۱۳۶۱: ۳۲). این قرارداد در ایران به قرارداد رژی، و شرکت عامل آن نیز به کمپانی رژی معروف شد (رژی در زبان فرانسه به معنای انحصار در معاملات بازرگانی است). به موجب این قرارداد که به امضای سرهنری ولف وزیر مختار انگلستان نیز رسید، دولت ایران در برابر دریافت سالانه ۱۵ هزار لیره و یک چهارم سود سالانه، امتیاز کلیه معاملات داخلی و خارجی توتون و تنباکو را به مدت ۵۰ سال به تالبوت و شرکایش واگذار کرد. تالبوت برای گرفتن این امتیاز علاوه بر شاه، مبالغی گزاف به صدراعظم و نایب السلطنه و تنی چند از درباریان داد (فوریه، ۱۳۲۵: ۲۲۰).

مخالفت های عمومی با این قرارداد بالا گرفت. ناصرالدین شاه در ابتدا بنای مقاومت با این اعتراضات را داشت و حتی سید جمال الدین اسدآبادی که در آن موقع در حضرت عبدالعظیم متحصن بود، با خشونت به خارج تبعید کرد. نمایندگان هم برای توجیه امیرزای شیرازی به سامرا اعزام شدند. با مقاومت دربار، فکر تحریم تنباکو از اصفهان و توسط مرحوم آقا نجفی ترویج شد. (کدی، ۱۳۶۱: ۱۲۴). در نهایت، در اواخر ربیع الآخر ۱۳۰۹، اداره رژی اعلام کرد که با پایان مهلت ۶ ماهه خرید و فروش توتون تنباکو و صادرات آن منحصر به کمپانی خواهد بود. در تهران و شهرهای دیگر نگرانی

و نارضایی مردم بالا گرفت. در اول جمادی الاول ۱۳۰۹ق، ۳ دسامبر ۱۸۹۱م صورت استفتایی از میرزای شیرازی درباره کشیدن قلیان «با وضعی که از بابت عمل تنباکو پیش آمده» و حکم میرزا که در عبارتی موجز استعمال توتون و تنباکو را به هر شکل ممنوع می‌کرد، در تهران منتشر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم اليوم استعمال توتون و تنباکو بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است» (تیموری، ۱۳۶۱: ۱۲۵).

در این حرکت، خیانت بزرگ اقتصادی شاه و دربار، با تمسک به قاعده فقهی نفی سبیل خنثی شد.

**قرارداد داری:** قراردادی است که در سال ۱۹۰۱ ویلیام ناکسی داریسی انگلیسی با دولت ایران و مظفردالدین شاه امضا کرد تا به اکتشاف و استخراج نفت، بجز پنج ایالت شمالی، در ایران بپردازد. داریسی متعهد شد طی دو سال شرکت یا شرکت‌هایی را برای بهره‌برداری از امتیاز، تاسیس کرده و از عواید حاصله ۱۶ درصد به عنوان حق‌الامتیاز و ۲۰ هزار لیره نیز نقداً به عنوان سهم ایران، به دولت بپردازد. در قرارداد «داریسی»، در تمام مدت صاحب امتیاز از پرداخت مالیات، عوارض و حقوق گمرکی برای کلیه اراضی، ماشین‌آلات، وسایل و مواد لازمی که وارد می‌کرد و جمیع محمولات نفتی که صادر می‌کرد، معاف بود (ماسلی، ۱۳۶۵: ۷۳).

دستیابی به نفت ایران برای انگلیسی‌ها، یک جهش بزرگ در نظام اقتصادی کشورشان بود. دولت انگلستان که از ابتدا کلیه اقدامات «داریسی» را تحت نظر داشت، به دنبال دستیابی وی به نفت، بر «امتیاز داریسی» پنجه افکند و در ۱۲۸۸ ش - یک سال پس از فوران چاه نفت - شرکت نفت ایران و انگلیس را با هدف به دست گرفتن استخراج، پالایش و صدور نفت تأسیس کرد. این شرکت با سرمایه دو میلیون لیره تأسیس شد و صدور نفت از ۱۲۹۲ ش / ۱۹۱۳ م - یکسال پیش از وقوع جنگ جهانی اول - آغاز شد. سال بعد، به لحاظ اهمیت روزافزون نفت برای تأمین سوخت نیروی دریایی انگلیس، این کشور ۵۶ درصد از سهام شرکت را خرید و دو نفر نماینده با اختیارات کامل و با حق «وتو» نسبت به تصمیمات شرکت، در هیأت مدیره آن منصوب کرد. به این ترتیب امتیاز «داریسی» عملاً به دولت انگلستان منتقل شد. چرچیل نیز در مجلس عوام انگلیس در رابطه با اهمیت نفت ایران برای انگلستان گفت: «از مدتی پیش دولت انگلستان برای کسب منابع نفتی ایران از لحاظ حفظ اداره هندوستان و عظمت امپراطوری بریتانیا فعالیت‌های سیاسی نموده و مخصوصاً مواظب بوده است که کمپانی-

های خارجی سهام شرکت نفت را خریداری نکنند» (همان). شرکت نفت انگلیس و ایران تجسم و خلاصه‌ای از دخالت بیگانگان بود. این مؤسسه یکی از بزرگترین منابع ثروت ایران را در اختیار داشت و از آن بهره‌برداری می‌کرد و در ازای میلیون‌ها پوند که از کشور می‌برد مبلغ ناچیزی به دولت می‌داد، با چنان استقلال‌ی رفتار می‌کرد که دولت ایران مشابه این رفتار را از هیچ رئیس ایل و قبیله‌ای، هر قدر هم مقتدر بود تحمل نمی‌نمود. در طرز رفتار با ایرانیان از عالی و دانی چنان نخوتی نشان می‌داد که برای نژادی که بیش از هر وقت به عظمت گذشته خود فخر می‌کرد و به آینده درخشان خود اعتماد داشت، قابل تحمل نبود (بی‌نا، ۱۳۶۱: ۱۹).

علیرغم اصرار رضاشاه برای تغییر آن، این قرارداد مجدداً در سال ۱۹۳۳ برای ۶۰ سال دیگر تمدید شد. تفاوت قرارداد ۱۳۱۲، با قرارداد «ویلیام داری» در این بود که در آن قرارداد کلیه اموال و امکانات شرکتی که به منظور بهره‌برداری از امتیاز تاسیس می‌شد به دولت ایران تعلق داشت، ولی در قرارداد ۱۳۱۲ همه این دارایی‌ها متعلق به انگلیسی‌ها بود. این قرارداد تا ملی شدن صنعت نفت در ایران پابرجا بود.

#### ۴. نگاه برون‌نگر و مکتب نوسازی

دو نظریه مهم توسعه اقتصادی و سیاسی از بعد از جنگ جهانی دوم، شامل مکتب نوسازی و مکتب وابستگی بود. هر دو این مکاتب به صورت روشن و با صراحت تحت تأثیر نگاه سیاسی به حوزه اقتصاد شکل گرفته بود. در ایران، نظریه نوسازی مبنای تحولات ایران بعد از جنگ دوم جهانی است و ادعای ما در این نوشته این است که هنوز بعد از گذشت قریب به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی هم چنان، و علیرغم افت و خیزهایی، این نگاه در اقتصاد سیاسی کشور ما حاکم می‌باشد.

مفهوم نوسازی و توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم رایج شد. دانشمندان اجتماعی تحت تأثیر تحولات و شرایط جدید، از جمله پیدایش نظام دو قطبی، تولد دولت‌های جدید جهان سومی و رقابت و کشمکش سیاسی و ایدئولوژیکی میان دو قطب جدید شرق و غرب به منظور جذب این دولت‌ها، علاقه‌مند به کار بررسی این پدیده شدند. هدف اصلی آنها یافتن راه‌هایی برای نوسازی جوامع جدید به منظور مدرن شدن سریع و شتابان این جوامع بود. در واقع، نوسازی تلاشی برای قبول الگوی اقتصادی غربی قلمداد می‌شد و نهادهای ارزشی و سنتی که در طول تاریخ پدید آمده بودند نامناسب تلقی شده و نهادها و ارزش‌های وارداتی جانشین آنها می‌شدند. از اواسط دهه ۱۹۵۰

به بعد، بعد سیاسی نوسازی مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه دانشمندان سیاسی، تحت تأثیر متفکران اجتماعی، بررسی پدیده نوسازی یا توسعه سیاسی را در چارچوب سیاست های تطبیقی، در سر لوحه کار خویش قرار دادند و به مطالعه انبوه تحولاتی که در جوامع در معرض نوسازی آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در حال وقوع بود، مصمم شدند.

مکتب نوسازی «یشرفت را حالتی تکاملی می‌داند که تغییر اجتماعی در آن فرایندی یک‌سویه و تک‌خطی، رو به سوی پیشرفت و تدریجی بوده، به عبارتی جامعه‌ی انسانی به‌طور اجتناب‌ناپذیری در راستای یک جهت (اروپایی یا آمریکایی شدن) و از مرحله‌ای بدوی به مرحله‌ای پیشرفته سیر می‌کند» (سو، ۱۳۸۸: ۲۷). مهم ترین نظریه پرداز نوسازی «روستو» باشد. روستو به پنج مرحله از جامعه سنتی تا پیشرفته، این چنین اشاره می نماید: ۱. جامعه‌ی سنتی؛ ۲. شرایط ماقبل جهش اقتصادی که در آن شروط ضروری محقق شده‌اند؛ ۳. جهش اقتصادی؛ ۴. میل و خیز به سوی کمال؛ ۵. مرحله‌ی سطح بالای مصرف انبوه. این نظریه بر این باور بود که رشد یکنواخت درآمد سرانه به-ویژه طی مرحله‌ی جهش اقتصادی از طریق مکانیزم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ظهور یک چهارچوب سیاسی و اجتماعی که بتواند از انگیزه‌های گسترش بهره‌برداری کند با تأکید بر میل و خیز به‌سوی رسایی و کمال منجر به توسعه می‌شود (ساعی، ۱۳۸۵: ۱۸).

نوسازی در جوامع عموماً با بروز مشکل و بحران در مسیر تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشورها همراه است؛ بلاخص با توجه به غفلتی که این مکتب از توانمندی های درونی جوامع دارد. نگاه برون‌زا به پدیده نوسازی بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی- طبقاتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع می تواند زمینه‌ساز بروز نابسامانی در جامعه را فراهم می آورد و با آسیب‌رساندن به منافع طبقاتی و اجتماعی افراد زمینه بروز ناامنی و نابرابری را در جامعه رقم بزند، بروز چنین حالتی می‌تواند واکنش نیروهای اجتماعی را در روند شکل‌گیری نوسازی آسیب پذیر شدن را در پی داشته باشد. شاید با همین آسیب‌شناسی و تجربه عملی حاکمیت دیدگاه‌های این مکتب در ایران، نظریه نوسازی جدید در غرب شکل گرفته است. مطالعات نوسازی جدید در نتیجه‌ی توجه بیشتر به تاریخ و مطالعات مشخص موردی، دیگر اعتقادی به مسیر یک-طرفه‌ی توسعه به سمت الگوی غربی نداشته و این‌که هر یک از کشورهای جهان سوم می‌تواند مسیر خاص خود را به سمت توسعه دنبال نماید را پذیرفته‌اند (سو، ۱۳۸۸: ۶۸).



## ۵. اصل چهار ترومن؛ برنامه اقتصادی مکتب نوسازی در ایران

با حاکمیت تفکر مکتب نوسازی در بین بخشی از نظریه پردازان غربی، به تدریج اجرای توصیه‌های اقتصادی متفکران این مکتب، در دستور کار آمریکا، به عنوان رهبر اردوگاه لیبرالیسم، قرار گرفت. آمریکا با ریاست جمهوری فرانکلین روزولت در سه دوره پی‌پی، توانست به تدریج خود را برای فضای مدیریت جهانی، پس از پایان جنگ آماده نماید. پس از انتخاب «روزولت» در چهارمین دوره پی‌پی به ریاست جمهوری، در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۵، مراسم تحلیف چهارمین دوره ریاست جمهوری او برگزار شد. او در ۱۲ آوریل ۱۹۴۵، تنها چند هفته پیش از خودکشی هیتلر (۳۰ آوریل ۱۹۴۵) و تسلیم آلمان در جنگ جهانی دوم (۸ می ۱۹۴۵)، درگذشت.

هری اس ترومن که در سال ۱۹۴۴ به عنوان معاون روزولت کار در دستگاه اجرایی آمریکا را آغاز کرده بود، پس از مرگ ناگهانی وی ریاست این دستگاه را بر عهده گرفت. ترومن در حالی مسئولیت مهم ریاست جمهوری آمریکا را در دوران بعد از جنگ بر عهده گرفت که امریکایی‌ها اینک در مقابل خود ایدئولوژی قدرت‌گرفته کمونیسم با دیکتاتوری خشن استالین در اتحاد جماهیر شوروی را در مقابل می‌دید که با اشتهای سیری‌ناپذیر با استفاده از شیوه‌های مختلف به گسترش نظام‌های سیاسی وابسته به خود مشغول بود. ایران که نزدیک به ۲۷۰۰ کیلومتر مرزهای آبی و خشکی در جوار اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، بواسطه این همسایگی و پیوندهای گسترده فکری و فرهنگی به ویژه در بخش قفقاز جنوبی در معرض طبیعی گسترش کمونیسم قرار داشت. این موضوع از آنجایی بحرانی‌تر می‌شد که بعد از ورود قوای متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، سپتامبر ۱۹۴۱، و علیرغم تعهد به خروج از ایران، شوروی حاضر به خارج کردن قوای خود از ایران نبود.

ترومن در جلد دوم کتاب خاطرات خود به نام «سال‌های آزمایش و امید»، بعد از ارائه یادداشت رسمی به شوروی جهت خروج از ایران، این چنین آورده است: «هیچ پاسخ رسمی از سوی شوروی به یادداشت ما داده نشد... اما منابع اطلاعاتی ما، پی‌پی از حضور شوروی در ایران خبر می‌دادند. هنگامی که ارتش ایران راهی مناطقی شد که گویا سپاهیان روس آنجا را تخلیه کرده بودند، به یکباره خود را در برابر راه‌بندان‌های ارتش شوروی دید. خبر رسید که سه ستون از ارتش شوروی در حال پیشروی است. یکی به سوی تهران، دیگری به سوی مرز ایران و ترکیه. دیگر جایی برای تردید باقی نمانده بود که روسیه ساز خود را می‌زند و اعتنایی به آمریکا و سازمان ملل ندارد... من

در این مورد با وزیر خارجه مان برنز و نیز دریادار لهی گفتگو کردم. به برنز گفتم پیامی صریح و بی پرده برای استالین بفرستد. در ۲۴ مارس، مسکو اعلام کرد که بی درنگ تمامی سپاهیان را از ایران فراخواهد خواند» (اتابکی، ۱۳۷۶: ۱۸۹). به این ترتیب ایران جزو رده نخست کشورهای مورد حمایت امریکا قرار گرفت.

## ۶. اصل چهار ترومن، تأسیس سازمان برنامه و آغاز برنامه‌های توسعه هفت ساله عمرانی در ایران

«دکترین ترومن» آغاز سیاست برنامه‌ریزی شده امریکا برای مقابله با کمونیسم و اعمال نفوذ در مناطق مختلف جهان از جمله ایران محسوب می‌شود. دکترین ترومن از اولین طرح‌های امریکا برای فراهم آوردن زمینه‌های سلطه بر اروپا و آسیا و از نخستین جلوه‌های جنگ سرد بود. ترومن در مارس ۱۹۴۷ طرحی ارائه کرد که به عنوان «دکترین ترومن» شالوده سیاست خارجی امریکا در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی را پی‌ریزی کرد. او در این روز در جمع نمایندگان کنگره امریکا طی نطقی با اشاره به اوضاع بحران یونان و ترکیه که با چپگرایان مسلح درگیر بوده و از بحران اقتصادی رنج می‌بردند، به لزوم حمایت مالی از حکومت‌های این دو کشور تأکید کرد. وی همچنین خواستار بسیج امکانات امریکا در دفاع از حکومت‌هایی شد که با گروه‌های مسلح چپ‌گرا و کمونیست درگیر بودند و تلاش کرد از این حمایت پلی برای ورود به عرصه سیاسی کشورهای نیازمند ساخته و این کشورها را تحت انقیاد خود درآورد.

رئیس جمهور امریکا در اظهارات خود موضع امریکا را «رویارویی آزادی در برابر استبداد» عنوان کرد و با مصوبه کنگره امریکا ۴۰۰ میلیون دلار برای کمک مالی و اعزام مستشاران نظامی امریکا به این دو کشور به دست آورد. مهمترین بخش سخنان ترومن چنین بود: «کمک به کشورهای آزاد به منزله حفظ امنیت ایالات متحده امریکاست. برای تأمین پیشرفت مسالمت‌آمیز ملت‌های آزاد، امریکا ابتکار و مسئولیت بزرگی را در تأسیس سازمان ملل متحد به عهده گرفته است. این سازمان جهانی برای حفظ آزادی و استقلال کشورهایایی که عضویت آن را پذیرفته‌اند به وجود آمده است، اما باید این هدف‌ها را با کمک به ملل آزاد در حفظ نهادهای دموکراتیک و تمامیت ارضی آنان در برابر جنبش تجاوزکاری که قصد دارد رژیم‌های خودکامه را به آنان تحمیل کند، دنبال کنیم. اکنون مسلم شده است که رژیم‌های خودکامه را از راه تجاوز مستقیم یا غیر مستقیم به ملت‌های آزاد تحمیل می‌کنند و در نتیجه اساس صلح بین‌المللی و نیز امنیت

ایالات متحده آمریکا را به خطر می‌اندازند. به عقیده من سیاست آمریکا باید مبتنی بر حمایت از ملت‌هایی باشد که در برابر اقلیت‌های مسلح داخلی و فشار خارجی مقاومت می‌کنند. ما باید به این ملت‌های آزاد کمک کنیم تا سرنوشت خود را در دست بگیرند. کمک ما باید به صورت اقتصادی و مالی باشد که برای ایجاد ثبات و تحولات عادی سیاسی ضروری است. امروزه موجودیت یونان در نتیجه فعالیت‌های تروریستی هزاران نفر افراد مسلح که از سوی کمونیست‌ها رهبری می‌شوند و در بسیاری از نقاط بخصوص در امتداد مرزهای شمالی آن کشور زیر بار اقتدار دولت نمی‌روند در معرض خطر افتاده است... اگر ما در این ساعات سرنوشت‌ساز در کمک به یونان و ترکیه قصور بورزیم، اثرات آن در غرب و همچنین در شرق بسیار گسترده خواهد بود. ما باید دست به اقدام فوری و قطعی بزنیم...» (فونتن، ۱۳۶۶: ۳۶۶-۳۷۷).

به دنبال این اظهارات دولت آمریکا ابتدا در ژوئن ۱۹۴۷ «طرح مارشال»<sup>۱</sup> را ارائه کرد و سپس در ۳۰ دی ۱۳۲۷ ترومن در پیام خود به کنگره، ضمن اعلام اصول گوناگونی در سیاست اقتصادی خود، اصل ۴ آن را به اعطای کمک‌های فنی به کشورهای عقب مانده جهان سوم اختصاص داد. اصل چهارم از اصولی که ترومن در تبیین رویکردهای اقتصادی آمریکا اعلام کرد از مهمترین اصول سیاست خارجی این کشور برای وابسته کردن سیستم اقتصادی کشورها طی سال‌های پس از جنگ دوم جهانی است. این اصل مزبور چنین است: «ما با یک برنامه شجاعانه برای اینکه پیشرفت‌های علمی و صنعتی خود را در اختیار مناطق عقب مانده جهان قرار بدهیم این دوره را آغاز می‌کنیم تا مناطق مزبور به سهم خود به پیشرفت نایل گردند. به عقیده من، ما می‌توانیم ملت‌های صلح دوست را از علوم و فنون خود برخوردار سازیم تا بتوانند به میل خود به زندگی بهتری دست یابند. با چنین همکاری با ملت‌های دیگر می‌توانیم سرمایه‌گذاری در مناطقی را که فاقد پیشرفت هستند گسترش دهیم» (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۴۶). ترومن در سوم تیر ۱۳۲۸ لایحه مربوط به کمک‌های اصل ۴ را به کنگره تسلیم کرد و تقاضای ۴۵ میلیون دلار اعتبار نمود که البته با ۳۵ میلیون دلار آن موافقت شد.

اصل چهار ترومن در شرایطی مطرح شد که «هاری ترومن» رئیس جمهور آمریکا موفق شده بود پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را به وجود آورد و با وارد کردن ترکیه و یونان به جمع اعضای این پیمان، امنیت مدیترانه شرقی را نیز به ناتو گره بزند و آن را به تدریج به امنیت خاورمیانه پیوند دهد. بعد از این سخنرانی، بسیاری از کشورها تمایل خود به دریافت کمک‌های مالی آمریکا را اعلام کردند. ایران نیز با درخواست

وام از آمریکا، علاوه بر آنکه به دکترین ترومن جواب مثبت داد و مورد حمایت مالی اصل چهار نیز قرار گرفت. بعد از قرار گرفتن ایران در لیست اصل چهار ترومن، اداره‌ای با نام هیئت اصل چهار در تهران تشکیل گردید و «پس از آن، شعبی نیز در تبریز، شیراز، بابلسر، اصفهان و شعبه‌ای در خارج تهران مستقر شده و نمایندگان به اهواز و کرمانشاه اعزام گردید»، عملاً فعالیت‌های این اصل آغاز شد (شوندی مطلق، ۱۳۶۰: ۳۰۹).

اجرای اصل چهار ترومن در ایران در سال ۱۳۲۷ با تاسیس سازمان برنامه و بودجه، و متعاقب آن تصویب قانون برنامه‌ی اول عمرانی هفت ساله کشور هم‌زمان شد. این هم‌زمانی، باعث شد آغاز برنامه‌های توسعه و نهادسازی آن در ایران تحت تاثیر اجرای اصل چهار ترومن قرار گرفت. از سوی دیگر، حضور کارشناسان امریکا در تاروپود نظام برنامه‌ریزی و تربیت و آموزش نسل جدید بورکرات‌های ایرانی شاغل در حوزه برنامه‌ریزی، به طور کلی شاکله اصلی نگاه حاکم در آن، توجه به توانمندی‌های برون-نگرانه در تدبیر امور اقتصادی و توسعه‌ای جامعه ایرانی بود.

## ۷. برنامه‌های اجرایی اصل چهار ترومن

فعالیت‌های اصل چهار در ایران بر کمک‌های مالی در زمینه‌ی ترویج کشاورزی، مسائل آموزشی، بهداشتی و کمک‌های نظامی قرار داشت. از اهداف اصل چهار ترومن در ایران، تغییر الگوی کشاورزی از حالت سنتی به مدرن بود. تبصره‌ی چهار قانون برنامه‌ی اول عمرانی نیز دولت را نیز ناظر به این موضوع بود. کشاورزان و دهقانان در جامعه کشاورزی آن روز ایران مخاطبان بالقوه‌ای برای شعارهای جذاب و عدالت خواهانه کمونیست‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی دستگاه استالینی بودند. از این رو، در بخش کشاورزی، توجه به تغییر و بهبود ابزارآلات کشاورزی برای افزایش تولید و بهبود معیشت مردمی که در مناطق روستایی به سر می‌بردند، در دستور کار قرار گرفت و برای مدیریت موضوع «کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی» تشکیل شد. در حوزه آموزش کشاورزی «در پنج سال، حدود نود هزار نفر توسط اداره‌ی اصل چهار تربیت شدند... و تا پایان دهه‌ی سی نزدیک به چهارصد مدرسه در سراسر ایران با کمک مالی اصل چهار و وزارت آموزش و پرورش راه‌اندازی شد» (میلانی، ۱۳۹۳: ۲۲۳).

دولت ساعد برای اجرای برنامه‌ها درخواست مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار وام به ایران داد که دولت آمریکا تنها پرداخت ۵۰۰ هزار دلار به‌عنوان کمک فنی اصل چهار به ایران موافقت کرد (همان). هیئت اصل چهار علاوه بر کمک‌های کشاورزی و آموزشی، فعالیت‌هایی را در زمینه‌ی بهداشتی و نظامی نیز انجام داد. در بخش بهداشتی، این برنامه شامل اقداماتی نظیر مبارزه با بیماری‌هایی چون وبا و مالاریا، بهداشت عمومی، تأمین آب بهداشتی و... به‌خصوص در روستاها بود.

در بخش نظامی نیز اقدامات اصل چهار، مشمول کمک‌های مالی برای تجهیز نیروی نظامی بود. ایران از نظر جغرافیایی در موقعیت استراتژیک قرار داشت و آمریکایی‌ها به‌خوبی واقف بودند که اگر «ایران به دست کمونیست‌ها بیفتد، تمامی منافع اقتصادی و سیاسی غرب در منطقه در معرض خطر شوروی قرار خواهد گرفت» (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). بنابراین تقویت بنیه‌ی نظامی کشور با هدف تأمین امنیت داخلی برای مقابله با نفوذ کمونیسم، اصلی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. در همین زمان، اولین قراردادهای نظامی بین ایران و آمریکا منعقد شد (همان).

## ۸. نتایج اجرای اصل چهار ترومن: شکست دیگری بر نگاه برون‌نگر

علیرغم تبلیغات گسترده آمریکایی‌ها و استقبال دولت ایران، در عمل اجرای این برنامه نتوانست به اهداف مشترک دو کشور در زمینه ارتقای وضعیت معیشتی و رفاهی کشور منجر شود. جالب این است که پس از مدتی کوتاه، اعترافات از مقامات مسئول دو کشور در این زمینه عنوان شد. در آمریکا، دولت آیزنهاور اقدامات ترومن و دولت‌ش را در مقابله با رشد کمونیسم بسیار ضعیف عنوان کردند و عامل گسترش طوفانی کمونیسم، در بعد از جنگ دوم جهانی را همین اقدامات و برنامه‌های ترومن اعلام کردند (میلانی، ۱۳۹۳: ۲۳۴). محمد رضای پهلوی نیز دلیل شکست اجرای برنامه اول توسعه و اصل چهار ترومن را در اختلافات داخلی، به ویژه حکومت دکتر مصدق در ایران قلمداد می‌کرد (پهلوی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). ثمرات روشن اجرای این برنامه را در دو مورد زیر می‌توان ترسیم کرد:

### ۸-۱. تأمین اهداف آمریکا و وابستگی اقتصادی ایران

ترومن در اجرای این طرح به منافع ملی آمریکا در مقابله با گسترش کمونیسم فکر می‌کرد، و دولت ایران برای جبران ضعف‌های خود نگاه به کمک‌های آمریکا داشت.

آفت نگاه به توانمندی‌های خارجی و چشم‌پوشی از توان و ظرفیت‌های داخلی در داستان اصل چهار ترومن آشکار می‌باشد. دولت ساعد در حالی فرش قرمز جلوی پای امریکایی‌ها باز می‌کرد، که همزمان با این ماجرا، در مقابل تاراج حقوق قانونی مردم ایران از محل درآمدهای هنگفت تولید و فروش نفت توسط انگلیسی‌ها، نه تنها کاری نمی‌کرد بلکه در تلاش بود با قرارداد «گس-گلشاییان» زمینه تداوم این غارت را فراهم کند. رزم آرا، نخست وزیر وقت ایران نیز در توجیه بسط ید انگلیسی‌ها در موضوع نفت به تحقیر توانمندی‌ها ایرانیان می‌پردازد. آمریکا با صدور کالاهای خود، ضمن وابسته کردن کشور به خود، سود هنگفتی نیز از این بابت کسب نماید؛ به گونه‌ای که طی این دوران «حجم صادرات آمریکا به ایران به بیست برابر صادرات ایران به آمریکا رسید. این در حالی بود که بسیاری از کالاهای صادراتی آن کشور به ایران جزء مواردی بود که نمونه‌ی آن در ایران نیز تولید می‌شد» (میلانی، ۱۳۹۳: ۲۴۰).

همچنین از ابتدای طرح، قرار بر این بود که فعالیت‌های مربوطه با مشارکت روستاییان و افراد بومی انجام شود، اما در موارد بسیاری، کارشناسان آمریکایی استخدام و یا اعزام می‌شدند. در زمینه‌ی بهداشتی نیز سیستم بهداشتی کشور نه تنها با نقص برنامه‌ریزی مواجه بود، بلکه دچار کمبود امکانات لازم نیز بود. بنابراین بسیاری از روستاها همچنان از کمبود امکانات بهداشتی و بیماری‌های واگیردار در رنج بودند و عملاً اقدامات در این زمینه بسیار ناچیز و ابتدایی بود؛ به طوری که وضعیت اسفبار ایران در حوزه بهداشت تا پیروزی انقلاب اسلامی، به نقل از جان فوران، یکی از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای منطقه به لحاظ سرانه بهداشت و درمان بود (فوران، ۱۳۸۹: ۴۳۶).

## ۸-۲. استحاله فکری نخبگان ایرانی و وابسته کردن آنها

در کنار ناکامی‌های فوق و برخی توفیقات نسبی در مواردی خاص نظیر مقابله با بیماری‌های واگیر و بهبود دانش کشاورزی از طریق تأسیس دانشکده کشاورزی در کرج و مقابله با مالاریا در مازندران، مهم‌ترین عارضه اجرای اصل چهار ترومن برای ایران، و بزرگترین منفعت برای آمریکا، تربیت نیروهای تکنوکرات و وابسته و تزریق آن‌ها به نظام اداری و مدیریتی کشور در سال‌های بعد بود به نحوی که به صورت عادی و معمول، تعمیق ریشه‌های وابستگی ایران به آمریکا توسط آنها صورت می‌گرفت. نقش اصل چهار این بود که مغزهای مستعد در این کشورها را شناسایی کرده آموزش داده و آن‌ها برای مقابله با نفوذ کمونیسم در این کشورها تربیت کند.

در بهار سال ۱۳۳۲ اصل چهار گروه‌های زیادی از روشن‌فکران و تحصیلکردگان کشور را از میان گروه اقلیتی که در ایران همواره حاکم بودند از طبقات اشراف و متمولین شناسایی کرده و با حقوق و مزایای زیاد استخدام کرده بود. اصل چهار این گروه برگزیده را چه در ایران و چه با اعزام به خارج، مورد آموزش قرار داد. و آن‌ها را با نظام‌های مدرن اداری و مدیریتی آشنا کرده و تربیت کنکاشی در میان گروه عظیمی که با اصل چهار از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ همکاری داشتند، به خوبی نشان می‌دهد که اکثریت قریب بالاتفاق این افراد، سمت‌های مدیریت کلان را در سطح مدیرکل، معاون وزیر، وزیر، ریاست سازمان‌های گوناگون و حتی نخست‌وزیری را اشغال کردند. دست‌پروردگان این سازمان بودند که بخش عظیمی از موسسات کشور، از جمله ژاندارمری، مدارس، برخی دانشگاه و بیمارستان‌ها و بخش‌های دیگر را تحت مدیریت خود داشتند (کرباسیان، ۱۳۷۸: ۷۳-۶۴).

## ۹. نتیجه‌گیری

در این مقاله دو رویکرد موجود در اداره اقتصادی کشور که یکی تأکید بر استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های درونی دارد، و دیگری به دنبال استفاده از ظرفیت‌های فن‌آوری و منابع مادی دولت‌های خارجی می‌باشد، معرفی شد. فرضیه مقاله این بود که تأکید بر نگاه برون‌نگر برای حل مشکلات اقتصادی، نتایجی بر خلاف امنیت و منافع ملی کشورمان به دنبال دارد. بنای این رویکرد بر انفعال و تسلیم در مقابل قدرت‌های خارجی استوار بوده و متأسفانه در اغلب دوره‌های تاریخی اداره امور سیاسی، اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه کشور در اختیار این جریان بوده است. اصل چهار ترومن و اجرای آن در ایران یکی از ده‌ها نمونه اعتماد به دول خارجی است که اساساً بر مبنای تحقق اهداف آمریکا در مقابله با کمونیست در ایران اجرا شد. خروجی این طرح در حوزه توسعه تحولات اندکی در بخش‌های کشاورزی و بهداشت بود؛ ولی عملاً وابستگی کامل اقتصادی و راهبردی ایران به آمریکا را به دنبال داشت.

مهم‌ترین خسارت کشور ما در این پروژه که بزرگ‌ترین دست‌آورد آمریکا هم در این معامله پر سود بود، ایجاد شبکه گسترده‌ای از نخبگان وابسته بود که عملاً سرنوشت عمومی کشور تا دو دهه در اختیار این شبکه قرار گرفت. در همین دوره آغاز و اجرای اصل چهار ترومن، نظام برنامه‌ریزی راهبردی و توسعه در ایران نیز شکل گرفت که

عمدتاً تحت تاثیر حضور کارشناسان امریکا بر مبنای نظریه نوسازی غربی، پیشرفت خطی مطابق برنامه امریکا و غرب را برای کشور ما تجویز می‌کرد. متأسفانه، هنوز نظام برنامه‌ریزی کشور ما، علی‌رغم پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گذشت چهار دهه از شعار استقلال و پیشرفت کشور، اغلب در اختیار این جریان فکری بوده، و به نظر می‌رسد نگاه عقلانی به تجربیات تلخ حاکمیت این تفکر در اداره کشور، لزوم عزم جدی برای کنار گذاشتن این نگاه به پیشرفت و توجه به ظرفیت‌های ملی و رویکرد دانش بنیان، نسخه واقعی خروج کشور از بن بست فعلی توسعه است. ابلاغ سیاست‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی زمینه برون‌رفت از حاکمیت این جریان در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی کشور را فراهم کرده است و امید می‌رود با اعمال نظارت کافی اجازه انحراف از این سیاست‌ها به وجود نیاید و زمینه برای تحقق اقتصاد درون‌زا در کشور مهیا شود.

### پی‌نوشت

۱. جورج مارشال وزیر خارجه امریکا در کابینه ترومن ژوئن ۱۹۴۷ طرحی برای نفوذ در کشورهای اروپایی ارائه کرد که بعدها به عنوان «طرح مارشال» معروف شد. این طرح متضمن کمک‌های اقتصادی امریکا به کشورهای اروپایی خسارت دیده از جنگ دوم جهانی بود. امریکا در ازاء اعطای هر یک از کمک‌ها، امتیازات مورد نظر خود را که فلسفه ارائه طرح مارشال بود از دولت‌های اروپایی کسب کرد. طرح مارشال و دکترین ترومن که به فاصله ۳ ماه از یکدیگر ارائه شد، زمینه‌ساز اتحاد دولتهای غرب اروپا در زیر چتر سیاسی و نظامی امریکا بود.

### کتاب‌نامه

- اتابکی، تورج (۱۳۷۶)، آذربایجان در ایران معاصر، ترجمه کریم اشراق، تهران: نشر توس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، روابط خارجی ایران ۵۷-۱۳۲۰، تهران: نشر قومس.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه: وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری: مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۴)، شرح حال رجال ایران، تهران: نشر فردوس.
- بی‌نا (۱۳۶۱)، نفت، از آغاز تا به امروز، تهران: انتشارات وزارت نفت.
- پهلوی، محمد رضا (۱۳۹۲)، پاسخ به تاریخ، چاپ افست.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۱)، تحریم تنباکو، تهران: نشر شرکت سهامی کتابهای جیبی.



تأثیر رویکرد برون‌نگر بر اقتصاد سیاسی دوره پهلوم دوم ۱۷۱

- ساعی، احمد (۱۳۸۵)، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، تهران، سمت، چاپ هشتم.
- سو، آوین (۱۳۸۸) تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ چهارم.
- شوندی مطلق، کبری (۱۳۶۰)، جنگ سرد و زمینه‌های اتخاذ دکترین ترومن، پایگاه پژوهشی باقرالعلوم.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فوران، جان (۱۳۸۴)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- فوتنن، آنرره (۱۳۶۴)، تاریخ جنگ سرد، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو.
- فووریه، ژان باتیست (۱۳۲۵)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- قربانیان، محمد (۱۳۹۰)، «زمینه‌ها و بسترهای تشکیل بانک شاهنشاهی در ایران»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۹، صص ۱۵۶-۱۳۷.
- کباسیان، اکبر (۱۳۷۸)، تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران»، گزارش، صص ۷۳-۶۴.
- کدی، نیکی (۱۳۶۱) تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، تهران: جیبی.
- ماسلی، لئوناردو (۱۳۶۳)، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمود رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات رسام.
- محمدی، اسفندیار (۱۳۸۳)، «نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، مصباح، شماره ۵۴، صص ۵۶-۹.
- میلانی، عباس (۱۳۹۳) درباره شاه. چاپ افست.
- ناطق، هما (۱۳۷۳)، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، تهران: نشر توس.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۳)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر البرز.